



بررسی و سنجش تاثیر فایده‌گرایی قتل عمد در کیفیت و میزان مجازات مرتکب آن

محمد جوان بخت^۱
زهرا تجری مؤذنی^{۲*}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

چکیده

قتل واژه‌ای کلی است که به همه قتل‌های غیر قانونی نسبت داده می‌شود از جمله قتل عمد و قتل غیر عمد که گاه دربردارنده نوعی فایده برای مرتکب است. همه قتل‌ها عمدی نیستند بلکه برخی غیرعمدی و برخی نیز قانونی‌اند مانند ارتکاب قتل به دلیل دفاع مشروع و یا تهاجم فرد دیوانه که علیرغم عامدانه بودن، موجه تلقی می‌شوند. قتل عمد، سلب حیات دیگری همراه با سوء نیت است. بزه‌دیده اولیه در این جرم که بزرگترین سرمایه زندگی خود یعنی جانش را از دست می‌دهد گاه خود زمینه ارتکاب جرم را پدید می‌آورد و در نتیجه، ایجادکننده انگیزه در قاتل، خود وی می‌باشد. بنابراین، ایجاد موقعیت و اوضاع و احوال مساعد برای ارتکاب جرم از سوی مقتول، که وضعیت خطرناکی را برای قاتل بوجود می‌آورد و او نیز به ناچار دست به ارتکاب جرم می‌زند، قتل را دارای سود و فایده به نفع فاعل جرم می‌نماید. هدف نوشتار حاضر تبیین و تشریح نوع برخورد فقه امامیه و به تبع آن حقوق کیفری موضوعه با مرتکبین قتل مبتنی بر فایده است. یافته‌های ناشی از مطالعه توصیفی-تحلیلی منابع فقهی و حقوقی مرتبط، نشان می‌دهد که این عنوان نوظهور جرم‌شناختی، پیش از این در فقه امامیه و حقوق کیفری نیز مورد توجه صاحبان اندیشه قرار داشته و آنها مرتکبان چنین رفتار مجرمانه‌ای را چندان قابل سرزنش ندانسته و برخوردی سهل‌گیرانه و چشم‌پوشانه و گاه تقلیل‌گرایانه داشته‌اند که همین موضع در قانون جزای موضوعه نیز اتخاذ شده است.

واژگان کلیدی: قتل عمد، فایده‌گرایی، فقه، حقوق کیفری.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. javanbakht.lawyer@yahoo.com
^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول): moazen509@gmail.com

قتل از جمله جنایاتی است که از دیرباز شدیدترین برخورد را داشته و یکی از بزرگترین جنایات‌های بشری است که با وجود وضع قوانین برای پیشگیری از وقوع آن، همواره تمامی جوامع با آن دست به گریبان هستند و یکی از جرایمی که از روزهای نخستین خلقت بشر وجود داشته و همواره به گونه‌های مختلف و پیشرفته‌تر در حال ارتکاب می‌باشد، محسوب می‌شود.

قتل مبتنی بر فایده یا همان قتل فایده‌گرایانه^۱، از زیر شاخه‌های قتل عمد می‌باشد که در فقه و حقوق موضوعه با مجازات قصاص پاسخ داده می‌شود. در برخی از موقعیت‌ها و فرصت‌های جنایی فرد برای رهایی از مشقات و سختی‌هایی که در این موقعیت بر او وارد می‌شود ناچار دست به ارتکاب قتل می‌زند و فرد را از سر راه خود به عنوان مانعی که راحتی و آسایش را از او سلب کرده است، برمی‌دارد. در واقع می‌توان گفت که مقتول، موقعیت جرم‌زای قتل را بر بزهکار تحمیل کرده و او را مجبور به این کار کرده است. چنان که هنگامی کسی قصد جان فرد دیگری را می‌کند و فرد مورد تهاجم برای دفاع از خود با او مقابله می‌کند، به ناچار برای حفظ جان خود او را به قتل می‌رساند. چنین قتلی در دانش جرم‌شناسی قتل فایده‌گرایانه نام گرفته است.

سوال قابل طرح و مسئله حادث که این پژوهش به دنبال حل آن می‌باشد، این است که با توجه به انگیزه مرتکب این نوع رفتار مجرمانه آیا از حمایت‌های قانونی و قضایی در جهت تخفیف کیفر برخوردار می‌باشد یا خیر؟ و سوال دیگر این است که رویکرد اتخاذی حقوق کیفری ایران تا چه اندازه منطبق و همسو با دیدگاه فقها و جرم‌شناسان می‌باشد؟ در ادامه بدواً به شناخت این مفهوم می‌پردازیم.

۱- مفهوم‌شناسی قتل و فایده‌گرایانه بودن آن

قانون‌گذار کیفری ایران تعریفی از قتل نکرده است، در فقه نیز قتل از سوی فقها به صورت مستقل تعریف نشده و تعاریفی که ارائه شده، بیان موجبات قصاص بوده است. فقها در تعریف قتل می‌گویند: «إزهاق النفس المعصومه المكافئه عمداً و عداوتاً» (شهید ثانی ۱۳۸۴: ۴۹۶؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱) به معنی خارج کردن جان بی‌گناه همتا از روی عمد و ستم است، که در حقیقت بیان موجبات قصاص است.

عبدالقادر عوده در تعریف قتل می‌نویسد: «فعل بمن تزول به الحياه أی أنه إزهاق روح آدمی بفعل آدمی آخر». (عوده، ۱۴۰۵: ۶) یعنی عملی که با آن زندگی پایان می‌یابد، بدین معنا که روح

^۱ Utilitarian Homicide.

انسان توسط انسان دیگری از بدن او خارج می‌شود. در تعریفی از نظریه پردازان غربی، قتل عمد کشتن غیر قانونی هدفمند، آگاهانه و بی‌پروای یک انسان دیگر است. (مایر و رابرسون، ۱۳۹۵: ۲۰۸)

پس از آشنایی با تعریف و مفهوم قتل باید به این موضوع پرداخت که چگونه قتل یک فرد مهاجم و متجاوز و حمله‌کننده به یک قتل فایده‌گرایانه تبدیل می‌شود. آیا باید بزه‌دیده قتل، دارای شرایطی باشد؟

برای این که فردی قربانی جرم واقع شود نیازمند این است که تعادل در وضعیت فیزیکی و قدرت نداشته باشد، در این رویارویی، قربانی‌کننده قوی و قربانی شده ضعیف است. به تعبیر عزت فتاح قربانی شدن نوعی رویارویی است که در آن یک طرف بر طرف دیگر غلبه یافته و بر وی لطمه وارد می‌کند. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۴: ۱)

گاهی افرادی که قربانی جرم می‌شوند، خودشان بدست خودشان یا در نتیجه اقدامات خود زمینه بزه‌دیده واقع شدن را فراهم می‌نمایند. این اشخاص، به خاطر رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز خود، مستعد مقتول شدن می‌باشند.

بنابراین، به تعبیر فون هانتینگ حقوقدان انگلیسی، پیش‌استعدادها یا پیش‌زمینه‌های مجنی‌علیه است که فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد. (نجفی، همان: ۹)

لذا مقتول یا همان بزه‌دیده جرم قتل که در این رویارویی، جان خود را از دست داده است بستر وقوع قتل را علیه خود فراهم آورده است. نمونه بارز این نوع قتل بزه‌دیده واقع شدن شخص متجاوز، مزاحم و مهاجم است. شخصی که مورد تجاوز، مزاحمت یا تهاجم واقع شده است برای دفاع از نفس، حیثیت و حفظ آبروی خود دست به ارتکاب چنین جنایتی می‌زند. بنابراین زمینه‌سازی برخی جرایم، به قیمت جان بزهکار اول تمام می‌شود و او را به قربانی بزه یا جنایت مبدل می‌سازد. پی‌ناتل جرایم را بر حسب انگیزه‌هایی که موجب بروز آنها می‌شود و نه شخصیت جنایتکاران، به چهار گروه تقسیم کرده است که عبارتند از: جرم ابتدایی، جرم سودبخش، جرم عدالتخواهی کاذب و جرم سازمان یافته. (گسن، ۱۳۸۸: ۲۳۹) ما در این پژوهش جهت پرهیز از طولانی شدن مطالب فقط به جرم سودبخش که موضوع اصلی بحث می‌باشد می‌پردازیم.

از جمله تیپ‌های جرایم بر اثر انگیزه آنها، جرم سودبخش می‌باشد؛ این جرم به منظور رهایی از وضعیتی انجام می‌گیرد که به مثابه تنها راه فرار آن به نظر می‌رسد. این جرم دارای چهار ویژگی است: ۱- همیشه مستلزم این است که بزهکار خود را در وضعیتی مخصوص یا خطرناک بیابد؛ ۲- اغلب محدود به یک نوع از جرایم می‌باشد و یا علیه شخص واحدی بوده یا علیه گروهی از اشخاص

معین است؛ ۳- سرانجام یک بحرانی است که مراحل آن عبارتند از: رضایت خفیف، قبول صریح، بحران به حصر معنی؛ ۴- گسترش جرم یا در زمینه جرایم علیه اموال است که زمینه انتخاب او را نیز تشکیل می‌دهند یا علیه اشخاص می‌باشد مانند قتل برای تصاحب یک ثروت، همچنین برای رهایی از شخص مزاحم، مانند قتل شوهر برای زندگی با مرد مورد علاقه خود. (همو: ۲۴۰)

بنابراین فایده قتل ارتكابی از سوی بزه‌کار، به نوعی حفظ جان خود از ایراد جنایتی است که او خود را مستحق چنین خسارتی نمی‌داند لذا با معادلات ذهنی خود فرد مقابل را مستحق کشته شدن می‌داند.

۲- قتل فایده‌گرایانه از دیدگاه فقهی (مصادیق و احکام)

فقهها در باب قصاص و دیات به موارد قتل و احکام آن مفصلاً پرداخته و مجازات هر یک را مشخص نموده‌اند. بنابر قاعده‌ای تحت عنوان «الضرورات تبیح المحظورات»، در موارد ضروری و لازم ما می‌توانیم بر خطای مرتکب چشم پوشیم و آن را کأن لم یکن فرض نماییم. لکن در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا ضروریات اجازه ارتکاب قتل را به قاتل می‌دهد؟ و آیا می‌توان خطای او را به جهت دفع خطر و حفظ جان خود نادیده گرفت؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق ابتدا باید موقعیت‌های خطرناک را شناخت سپس به این امر بپردازیم که آیا قتل دیگری از جمله ضروریات است یا خیر؟! در ادامه به مهم‌ترین مواردی که فقها پیرامون آن نظریه‌پردازی نموده‌اند می‌پردازیم.

۱-۲- دزدی که به زنی تجاوز کرده و کودک وی را به قتل رسانده است:

در روایتی آمده است که عبدالله بن طلحه از امام صادق (ع) درباره دزدی که لباس‌هایی را جمع کرده و با زنی که در آن خانه است جماع نموده و فرزند او را به قتل رسانده است و زن نیز در مقابل، آن مرد دزد را کشته است، پرسید که حکمش چه می‌شود؟ امام فرمودند که خون دزد هدر است یعنی باطل است و عوضی ندارد ۴ هزار درهم از اموال او را به جای بضع به زن می‌دهند همچنین دیه فرزند آن زن، نیز بر عهده وارثان دزد می‌باشد که باید پرداخت کنند.

شهید ثانی درباره وجه هدر بودن خون دزد می‌فرماید که دزد محارب است و محارب هر گاه جز با کشتن دفع نشود قتلش جایز است. (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۵۵۸)

بنابراین در اینجا قتل دزد، که در موقعیت حساس و خطرناکی واقع شده است این ضرورت را ایجاد می‌کرده که زن با دیدن قتل فرزند خود و این که به عنف با او زنا شده است، برای دفاع از خود و حفظ جان خود دست به قتل دیگری می‌زند لذا کشتن دزد، سود و منفعتی - حفظ جان - برای زن داشته است.

محقق خوئی پیرامون همین مطلب می‌فرماید: هر کسی که بخواهد با زنی زنا کند، بر آن زن جایز است که به جهت دفاع از خودش او را بکشد و خون او هدر است و قصاص و یا دیه‌ای بر زن نیست. هم چنین هر گاه دزدی با زور وارد خانه کسی شود، بر صاحب آن خانه و کسی که در آن سکونت دارد، جایز است که با او درگیر شده و مبارزه کند و اگر دور کردن دزد از خود یا خانواده و یا اموالش منوط به قتل او باشد، می‌تواند آن دزد را به جهت دفاع از جان، مال و خانواده بکشد و در این صورت خون او هدر است و دفاع‌کننده ضامن نمی‌باشد. (خویی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

بدین ترتیب قتل دزد و کسی که متجاوز است هم چنان که قابل ملاحظه می‌باشد مبتنی بر فایده است و آن فایده، حفظ جان شخص و جلوگیری از بزه‌دیده واقع شدن جنایت تجاوز می‌باشد.

۲-۲- دفاع مشروع در برابر متجاوز

از جمله حقوق افراد که از ابتدا مورد حمایت قرار گرفته و کسی در آن تردید نداشته، دفاع در برابر تعرض به نفس بوده است. طبیعی است که جان انسان ارزشمندترین هستی و دارایی اوست و همین دفاع از نفس، پایه و مبنای شکل‌گیری دفاع مشروع در مقیاس امروزی را تشکیل می‌دهد. تجاوز و تهاجم گاهی نفس را هدف قرار می‌دهد که نتیجه آن مرگ فرد است و گاهی کمتر از نفس. (شمس ناتری و عبدالله‌یار، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

پیرامون دفاع از نفس، علامه حلی می‌فرماید: «انسان تا توان دارد واجب است از نفس و حریم دفاع کند و تسلیم شدن جایز نیست و غیره». (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۵۷۱) همچنین در معتبره غیاث بن ابراهیم به نقل از امام صادق (ع) آمده است که امام باقر (ع) فرموده‌اند: «آن گاه که مردی بر شما هجوم آورد و قصد جان و مالت را داشت اگر توانایی داشتی پیش‌دستی کن و ضربه‌ای بر او بزن، پس همانا دزد با خدا و رسولش در حال کارزار است. هر آسیبی که از ضربه تو بر او وارد آید به عهده من است. (حر عاملی، بی‌تا: ۳۸۴/۲۸) و در صحیح‌ه حلبی در تایید همین مطلب آمده است: امام صادق (ع) فرمود: «امیر مومنان علی (ع) فرموده‌اند: آن گاه که دزد محارب بر تو هجوم آورد او را بکش. پس آنچه به او رسد، خونش بر گردن من». (همو: ۱۱۹/۱۵) علاوه بر موارد فوق، فقهای امامیه بر این باورند که اگر مهاجم به قصد کشتن فردی به او حمله کند، باید با او مقابله

نموده و تسلیم جایز نمی‌باشد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۶۴۹) حصول شرایط در این خصوص احتیاج به اذن امام ندارد. بنابراین اگر شخصی به دیگری هجوم بیاورد تا او را بکشد، جلو او را گرفتن - گرچه در نتیجه آن شخص مهاجم کشته شود - واجب است و در این صورت بر قاتل چیزی نیست. (خمینی، ۱۴۰۳: ۳۲۱)

در احکام اسلامی، پیرامون شدت و بزرگی خطر تهدیدکننده، فقها حد و اندازه خاصی را ملاک قرار نداده و گفته‌اند که تجاوز به هر اندازه که موضوع مورد تهدید آن کم اهمیت باشد غیرمشروع است، چنان که در کلام ایشان، میان موضوعات مختلف مورد تهدید تفاوتی مشاهده نمی‌شود. لذا تجاوز علیه نفس، ناموس و عرض و آزادی تن با تهدیدی که موضوع آن مال است یکسان می‌باشد. فقها معتقدند، انسان همان گونه که از نفس خود دفاع می‌کند، می‌تواند از مال خود - هر چند اندک - نیز دفاع کند. (شمس ناتری و عبدالله یار، همان: ۱۰۹)

۳-۲- قتل عمد اضطراری

علامه حلی در تعریف فرد مضطر می‌فرماید: مضطر کسی است که در شرایطی قرار گرفته است که برای تلف نفسش دچار خوف می‌گردد. (حلی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) بنابراین هر گاه کسی خود را در تنگنا و فشار ببیند که برای رهایی از آن ناچار باشد عملی را انجام دهد، بی آن که دیگری او را به این عمل وادار کرده باشد، عقل به انجام دادن آن عمل حکم می‌کند. (ندوی، ۱۴۱۲، ۲۷۰) علامه حلی در جنس چیزهایی که به سبب اضطرار جایز و مباح هستند، گفته است: هر چیزی که منجر به قتل معصوم نشود، مباح و حلال است. (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۴)

هیچ یک از فقها قتل عمد اضطراری را جایز ندانسته‌اند، به دلیل این که قاعده اضطرار در مقام امتنان به امت، جعل و تشریح شده است. در این موارد هر چند نسبت به مضطر امتنان است ولی نسبت به کسی که او را می‌کشند خلاف امتنان است. در حدیثی این چنین آمده است که همانا تقیه برای حفظ نفس وضع شده است و هنگامی که کار به کشتن برسد تقیه وجود نخواهد داشت. بنابراین در قتل قاعده اضطرار جریان ندارد. (کلانتری و جلیل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۴۹)

نهایت تقیه و حد آن این است که حرامی که موقعیت اضطراری را بوجود آورده، ریختن خون به ناحق نباشد. ریختن خون غیر جایز نیست، چرا که علت واجب شدن تقیه محفوظ بودن خون‌هاست.^۱ هم از طرف مضطر و هم از طرف بزه‌دیده در قتل اضطراری، امتنان وجود دارد.

^۱ قاعده «لا تقیه فی الدماء»

(مؤمن قمی، ۱۳۸۲: ۲۳) لذا در مواردی که دَوْران بین‌الامرین حفظ نفس خودش و دیگری باشد برای حفظ نفس خودش نمی‌تواند نفس دیگری را در معرض تلف قرار دهد، یعنی خون او رنگین‌تر از خون دیگران نیست. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۳۳۹)

بنابراین در چنین مواردی قاتل برای گریز از مهلکه و رسیدن به سود و فایده که همانا زنده ماندن خود است نمی‌تواند دیگری را فدای خود کند مگر در مواردی که به حکم شرع و قانون خواهد بود، از جمله این که فرد مهدورالدم باشد.

همان طور که ذکر گردید فقها در مسئله اضطرار، قائل به جواز قتل نشده‌اند. لکن محقق خوبی در کتاب تکمله‌المنهاج هر چند مبحث اضطرار در قتل عمد را به طور خاص مورد بحث قرار نداده‌اند، اما اکراه در قتل عمد را پذیرفته‌اند و از فحوی حکم و دلایل استنادی در خصوص پذیرش اکراه در قتل عمد برمی‌آید که ایشان قائل به جواز قتل در شرایط اضطراری هستند. (خوئی، ۱۳۹۱: ۱۸۰) با توجه به این که ایشان در خصوص اجازه قتل در شرایط اکراهی به مصداق تراحم و اصل تخییر استناد کرده‌اند، نتیجه این خواهد شد که ادله حفظ نفس در صورت در خطر بودن جان یک انسان قابل تخصیص است، به دیگر سخن، دوران امر است میان نفس خود و نفس دیگری؛ باید دید که آیا حفظ نفس خود با حفظ نفس دیگری مساوی است، در صورت مساوی و برابری، از مصادیق تراحم است و ناچار بایستی به موجب قواعد تراحم، نخست به دنبال مرجح باشیم؛ مثلاً اگر دیگری نفس نبی است، نفس او را باید بر نفس خود ترجیح داد و اگر مرجحی در میان نباشد به دایره تخییر عقلی می‌رسیم. (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱۴۷)

بنابراین فقها در شرایط اضطراری قائل به عدم جواز شده‌اند و در دفاع از جان خود یا دیگری، در صورت ضرورت و فقدان چاره به جواز ارتکاب جرم متمایل شده‌اند.

از دیگر موارد اضطراری که می‌توان به آن قتل فایده‌گرایانه عنوان داد، قتل دیگری به واسطه دستور حاکم شرع یا امر آمر قانونی می‌باشد. از نظر فقها اگر سلطان، کسی را به جاری ساختن حدی ظالمانه و یا قصاص کردن از روی ظلم یا برای صادر کردن حکمی مخالف با شرع مجبور کند، اجرای دستور او جایز است. به دلیل حالت اضطرار، مگر در کشتن که در آن تقیه راه ندارد و نباید از حکم سلطان اطاعت نمود. (شهید اول، بی‌تا: ۴۰۲)

پس از آن که رویکرد فقها نسبت به قتل دیگری برای حفظ جان خود یا آنچه که ما قتل مبتنی بر فایده نام نهاده‌ایم، را بیان نمودیم، لازم است به بررسی این موضوع در حقوق کیفری موضوعه بپردازیم تا سیاست اتخاذی قانون‌گذار کیفری در قبال این جرم، مشخص شود.

۳- قتل فایده‌گرایانه در آیین حقوق کیفری

قانون‌گذار به پیروی از فقه امامیه، در ماده ۳۸۱ ق.م.ا مجازات قتل عمد را قصاص دانسته است، اما در برخی موارد قائل به جواز ارتکاب این جرم، بدون اجرای مجازات شده است که در زیر به ترتیب به تشریح و تفصیل هر یک خواهیم پرداخت:

۳-۱- قتل ناشی از اضطرار

از جمله موارد حائز اهمیت در حقوق کیفری، مسئله ضرورت و اضطرار است؛ حقوقدانان با بیان این جمله که ضرورت قانون نمی‌شناسد^۱ از مرتکب جنایت در مواقع اضطراری رفع مسئولیت نموده‌اند. بنابراین قانون مجازات ایران نیز در ماده ۱۵۲ به بحث اضطرار از جمله موانع مسئولیت کیفری پرداخته و برای آن حدود و ثغور و شرایطی را ذکر نموده است که در صورت احراز شرایط در مرتکب جرم، او از مسئولیت جرم واقع شده مبری می‌باشد.

حکم کلی اضطرار نیز در ماده ۱۵۲ ق.م.ا ۱۳۹۲، به شرح زیر بیان شده است: هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع، از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، قابل مجازات نیست، مشروط بر این که خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

برخلاف اکراه در قتل که در ماده ۳۷۵ ق.م.ا عدم پذیرش آن صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است، پیرامون اضطرار در قتل، حکم کلی در قانون ایران مشاهده نمی‌شود. با این حال برخی از حقوقدانان، با توجه به اطلاق عبارت «طبق قانون جرم...» بر این باورند که اضطرار در قتل عمد پذیرفته می‌شود.^۲

اما درستی این نظر مورد تردید است؛ زیرا اضطرار و اکراه تفاوت ماهوی با یکدیگر نداشته، بلکه صرفاً از لحاظ منشأ ایجاد خطر، که در اکراه، یک انسان دیگر و در اضطرار، سایر عوامل خارجی (مثل: سیل، طوفان و...) یا عوامل درونی (مثل: گرسنگی و تشنگی شدید) است، با یکدیگر متفاوتند. حتی می‌توان گفت که با عدم پذیرش اکراه در قتل عمد، به طریق اولی، باید اضطرار را در قتل عمد نپذیرفت، که همان گونه که در بالا ذکر شد، فقها نیز آن را نپذیرفته‌اند؛ زیرا در اکراه،

^۱ Necessitate non hobet legem.

^۲ ر.ک. محمدهادی صادقی، جرایم علیه اشخاص، ۱۳۱، به نقل از میرمحمد صادقی، ۳۵۹.

که در آن دو طرف وجود دارد و قانون‌گذار می‌توانسته است که مکروه را مستحق قصاص بداند، لکن ترجیح داده است که مکروه را قابل قصاص بداند، چه رسد به اضطرار که در آن تنها یک نفر وجود دارد و در نتیجه، عدم تعیین قصاص برای مضطر به معنی ساقط شدن قصاص می‌باشد. بدین ترتیب، مسافری که پس از غرق شدن کشتی و برای فرار از مرگ، جلیقه نجات مسافر دیگر را از تن وی بیرون کرده و خود به تن می‌کند و با این کار موجب غرق شدن آن مسافر می‌شود، یا او را از درون تخته پاره‌ای که بر روی آن نشسته به پایین می‌اندازد تا خود با نشستن بر روی آن تخته از مرگ نجات یابد، یا کوهنوردی که قسمت زیرین طنابی را که وی و دیگران به آن آویزان شده‌اند و تنها تحمل یک نفر را دارد می‌برد تا کوهنوردی که به پایین طناب آویزان شده است سقوط کرده و بمیرد، همگی مرتکب قتل عمدی می‌شوند. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۳۵۸؛ شاکری و علیپور، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۶)

بنابراین با توجه به این که از شخص مضطر، رفع تکلیف شده است^۱، استثنای مهم رفع حرمت به واسطه اضطرار، ارتکاب قتل است که به اتفاق فقها، ارتکاب قتل دیگری برای حفظ جان یا دفع خطر از خود جایز شمرده نشده است. دلیل این حکم آن است که نفس مضطر با نفس بزه‌دیده مساوی و در نظر شرع و قانون به منزله تن واحد محسوب می‌شوند. لذا ترجیح جان خودش بر جان دیگری و کشتن او برای حفظ جان خودش صحیح نیست و صرفاً برای زنده ماندن که تنها فایده قتل است، می‌باشد. علاوه بر آن جواز قتل غیر با امتنانی بودن قاعده اضطرار منافات دارد.

در تأیید بیانات فوق می‌توان به روایت نبوی با این مضمون: «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرَأٍ مُسَلِّمٍ إِلَّا بِإِذْنِ الثَّلَاثَةِ: كَفْرٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ أَوْ زَنَا بَعْدَ الْإِحْصَانِ أَوْ قَتْلِ نَفْسٍ بِغَيْرِ نَفْسٍ»^۲ توسل جست. (طوسی، ۱۳۸۲: ۳۵۱) همچنین بنابر قاعده «الضروره فی کلّ شیءٍ إلّا فی الدماء»، اضطرار در قتل به دلیل نقض غرض شارع و این که خلاف قاعده امتنان (به عنوان غرض اصلی شارع از جعل این حکم) است، پذیرفته نشده است. (عبداللهی علی‌بیک، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

در پایان بحث اضطرار باید خاطر نشان کرد که چون به موجب ماده ۴۵۲ ق.م.ا دیه احکام و آثار مسئولیت مدنی را دارد، هر گاه قصاص قاتل مضطر به هر دلیل مثل پدر بودن قاتل یا گذشت اولیای دم منتفی شود، وی نمی‌تواند، به استناد اضطرار، از پرداخت دیه خودداری نماید.

^۱ - حدیث رفع بنا به روایت شیخ صدوق چنین است: عن ابی عبدالله علیه السلام قال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «رفع عن امتی تسعة: الخطأ و النسیان، و ما اکرهوا علیه، و ما لا یطیقون، و ما لا یعلمون، و ما اضطروا الیه، و الحسد، و الطیرة و التفکر فی الوسوسة فی الخلق ما لم ینطق بشفه». (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱۱۱)

^۲ ریختن خون مرد مسلمان حلال نمی‌شود مگر در سه مورد: کافر شدن مؤمن، زناي فرد محصن، قتل دیگری.

۲-۳- فایده‌گرایی در دفاع مشروع

دفاع مشروع از جمله عوامل موجهه جرم و از موانع مسئولیت کیفری محسوب می‌شود، قانون‌گذار کیفری ایران در ماده ۱۵۶ ق.م.ا به ذکر احکام آن پرداخته است. ماده ۱۵۶ مقرر می‌دارد: هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون، جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز و یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد...

بدین ترتیب قتل در اثر دفاع مشروع نیز می‌تواند مبتنی بر این فایده باشد که حفظ جان مدافع را تضمین نماید. اما همان طور که در ماده مزبور مشاهده می‌شود برای دفاع مشروع قانون‌گذار شرایطی را ذکر نموده است که شخص مدافع در صورت دارا بودن و رعایت شرایط مذکور، می‌تواند از اتهام قتل عمد تبری جسته و از قصاص رهایی یابد. در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی نیز قانون‌گذار مقرر نموده است که هر گاه فردی، متجاوز و کسی که تجاوز او قریب‌الوقوع است را به قتل برساند، به قصاص و دیه محکوم نمی‌شود.

یکی از مسائلی که ارتباط تنگاتنگی با موضوع دفاع مشروع منجر به جنایت دارد، مجوز قانونگذار کیفری ایران در ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ می‌باشد. قانونگذار در این مقرر طی ۱۰ بند ماموران انتظامی را اجازه داده است که از سلاح در اختیار خود استفاده نمایند. از جمله این موارد احصاشده بندهای زیر می‌باشد: ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید. و ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد. و ۳- در صورتی که مامورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.

چندان که مبرهن می‌باشد قانونگذار برای حفظ جان مامور انتظامی یا سایر افرادی که مامور در حال مشاهده خطر قریب‌الوقوع علیه جان آنها می‌باشد، در مقام دفاع مشروع و قانونی، مجوز ایراد جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص مهاجم را صادر نموده است. متعاقباً در مواد ۱۲ صراحتاً

اعلام می‌دارد در صورت ارتکاب رفتار مجرمانه توسط مامور در چارچوب این قانون، مورد حمایت بوده و هیچ گونه مسئولیتی اعم از مدنی و کیفری متوجه فرد تیرانداز نخواهد بود. حتی در صورتی که رفتار مامور منجر به ایراد جنایت علیه افراد بی‌گناه شود، بدون این که مامور را مسئول کیفری تلقی نماید، سازمان متبوع مامور را مسئول پرداخت دیه جنایت وارده دانسته است.

۳-۳- فایده ناشی از قتل قربانی تجاوز

یکی دیگر، از نمونه‌های قتل فایده‌گرایانه، قتل فرد قربانی تجاوز است، در این قبیل قتل‌ها اغلب، رابطه‌ای تعارض‌آمیز بین بزه‌دیده و بزه‌کار وجود ندارد بلکه سوء نیت و پرخاشگری یک طرفه است که موجبات وقوع قتل را فراهم می‌سازد. شاید بتوان سرپوش گذاشتن بر جرم را به عنوان انگیزه‌ای برای قتل، در زمره همین قتل‌ها دانست. این قبیل قاتلین به خاطر ترس از شناسایی هویتشان توسط بزه‌دیدگان سرقت، تجاوز و غیره، آنان را به قتل می‌رسانند. (پرویزی، ۱۳۷۹: ۹۹-۸۹)

دیوید لاکن بیل مجادلات یا گفت‌وگوهایی را که به قتل منتهی شده‌اند، مطالعه کرده تا تعیین کند که آیا الگوهای رفتاری خاص در روابط بین قاتل و مقتول مشترک است یا خیر. او دریافت که بسیاری از آدمکشی‌ها الگوی مشخصی دارند. یعنی قربانی کاری انجام داده که از دید مهاجم حرکتی تهدیدآمیز محسوب شده و مهاجم نیز نوعاً در پی تلافی این کار به صورت لفظی یا حرکتی برآمده است. خشونت شدت یافته و قربانی پاسخ متقابل داده، نزاع در گرفته و در نهایت قربانی مرده یا در حال مرگ است. برخی از قتل‌های عمدی ممکن است نتیجه خشونت عمدی و بی‌دلیل فردی بیگانه باشد؛ در حالی که دیگر قتل‌های عمدی متضمن تعاملی اجتماعی بین دو یا چند نفر است که هم‌دیگر را می‌شناسند و تعامل اجتماعی مخربشان به مرگ یکی از طرفین منجر شده است (معظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۳-۲۱۹)

تجاوز گاه نسبت به عرض، جان، مال یا ناموس افراد به وقوع می‌پیوندد. قانونگذار کیفری ایران پیرامون موضوع قتل فردی که نسبت به مال وی تجاوز صورت گرفته در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ شرایطی را عنوان نموده است که در صورت حدوث شرایط مقرر، چنانچه فرد قربانی مورد ایراد جراحت واقع شود، از عوامل مشدده مجازات سرقت محسوب و فرد متجاوز به اشد مجازات تعزیری و پرداخت دیه جنایات وارده محکوم می‌شود. همچنین در موارد تجاوز جنسی منجر به مرگ قربانی، فرد متجاوز علاوه بر محکومیت از باب عمل شنیع تجاوز جنسی به کیفر مرگ، به جهت ارتکاب قتل عمدی، محکوم به قصاص نفس می‌شود.

۴- بررسی قتل فایده‌گرایانه در جرم‌شناسی

بر اساس یافته‌های رشته بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده مستقیم جرم که تا پیش از این مستحق حمایت و معمولاً بی‌تقصیر تلقی می‌شد و شایسته و نیازمند هر گونه مساعدتی بود، می‌تواند به عنوان عامل موثری در وقوع جرم و الهام‌بخش اندیشه مجرمانه باشد؛ و از همه مهم‌تر می‌تواند در جریان ارتکاب جرم و در حالی که خود مقدم در ارتکاب بزه بوده، به لحاظ عدم توانایی جسمانی یا یک اتفاق خارج از اراده خود، به جای آن که مجرم شود، قربانی جرم واقع گردد.

بر این اساس، زوج کیفری نباید همواره به صورت سیاه و سفید قضاوت شوند. همیشه این گونه نیست که یکی ناکرده‌بزه و دیگری بزه‌کار باشد، بلکه ممکن است شیری یا خاکستری رنگ بوده و در واقع بزه‌دیده هم در وقوع جرم به نوعی نقش داشته باشد.

پس بدون تردید بررسی علمی و ملاحظه عنصر مؤثری چون قربانی جرم به منزله شخصیت کلیدی در فرآیند منجر به اعمال مجرمانه یا فرآیندهای برخاسته از آن تحول عمیقی در علت‌شناسی جنایی است.

بررسی ارتکاب جرم که محور اصلی مطالعات جرم‌شناسی است، تنها نقض قانون و هنجار اجتماعی نیست بلکه مشابه دیگر رفتارهای انسانی اصولاً باید هدفمند بوده و ناشی از وجود قدرت انتخاب باشد، به عبارتی می‌توان گفت غالباً عملکردی اختیاری است و انسان دست به یک سلسله انتخاب‌های استراتژیک و نظام‌مند عقلانی می‌زند. بر این اساس، نظریات مختلفی از سوی جرم‌شناسان مطرح گردید که دارای نوعی جهت‌گیری جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی بود.

برخلاف نظریه‌های جرم‌شناختی که توجه کمی به عوامل موقعیتی تعیین‌کننده جرم داشتند، هدف اصلی این نظریه‌ها همچون نظریه مدل انتخاب عقلانی، شیوه زندگی، بررسی فرآیندهای اجتماعی و رخدادهای روان‌شناختی به عنوان دلایل وقوع جرم و فرآیند عقلانی تصمیم‌گیری و انتخاب در بزه‌کاران می‌باشد. لیکن برای پرهیز از اطاله کلام ما در اینجا تنها به بررسی نظریه انتخاب عقلانی می‌پردازیم.

نظریه انتخاب عقلانی بیشتر به واسطه تحقیقات کورنیش^۱ و کلارک^۲ (پاک‌نهاد، ۱۴۰۰: ۲۸۲) شناخته شده است. این رویکرد یک اصل محوری دارد و آن این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده است، آدمیان در چند راهی‌ها، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند و برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند. بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری

^۱ Derek Cornish.

^۲ Ronald Clarke.

فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد. به علاوه در این نظریه اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد. نظریه انتخاب عقلانی به تشریح انگیزه و دلایل مجرم برای ارتکاب جرم می‌پردازد و معتقد است که انتخاب یک عمل مجرمانه، عمدتاً با تکیه بر ویژگی‌های رفتار مجرمانه و همچنین خصایص فردی مجرم صورت می‌گیرد. به عبارتی بزهکار برای ارتکاب جرم، هم موقعیت تحقق بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن را می‌سنجد و هم توانایی‌ها و نقاط ضعف خود را مدنظر قرار می‌دهد. از نظر کلارک به شخص مجرم باید به عنوان یک تصمیم‌گیرنده اقتصادی نگریست که انتخاب‌هایش تابع حداکثر سود است و بر اساس هزینه‌ها و منفعت دست به تصمیم‌گیری عقلانی می‌زند. (Cornish & Clarke, ۱۹۸۶: ۶-۹)

لذا اگرچه جرم عملی نكوهیده و غیرعقلانی است ولی در نهان خود واجد عقلانیت است، هر چند مسئله عقلانیت به طور کامل در این دیدگاه مورد نظر نیست.

نظریه انتخاب عقلانی به تشریح انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم به عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی نگاه می‌کند و این عقلانیت فرآیند تصمیم‌گیری است که فرصت‌ها را برای رفع نیازها، هزینه‌های بالقوه عمل و سودهای پیش‌بینی شده، تعیین می‌کند. البته این فرآیند عقلانیت تصمیم‌گیری، نه تنها به کار محاسبه برای تصمیم به ارتکاب جرم می‌پردازد، بلکه زمان و مکان ارتکاب جرم را نیز تعیین می‌کند. (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۵)

بر این اساس بهتر است گفته شود که مجرم دارای عقلانیتی محدود است و همه بزهکاران به یک اندازه منطقی و معقول رفتار نمی‌کنند، اگرچه منطقی بودن و معقولیت یک رفتار مجرمانه با توجه به دیدگاه‌های فرد مجرم، متفاوت است اما می‌توان گفت این جرایم گوناگون به واسطه انتخاب‌هایی پدیدار گشته‌اند که کاملاً هم بی‌بهره از دلایل عقلانی نیستند.

برخی بزه‌دیدگان به گونه‌ای عمل می‌کنند که زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی بزهکار را بر خویش فراهم می‌سازند و در واقع با عمل خود قصد ارتکاب جرم را در بزهکار ایجاد می‌کنند. از جمله این موارد می‌توان به رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز از سوی بزه‌دیده اشاره کرد. در این حالات قربانی جرم در واقع با بیان کلمات و یا انجام کارهایی بزهکار را نسبت به انجام جرم تشویق می‌نماید، هر چند که بزه‌دیده به شخصه چنین نتیجه‌ای را از فعل خویش انتظار نداشته باشد.

از جمله مصادیق قتل فایده‌گرایانه، زمانی است که زن، همسر خود را از میان می‌برد؛ زیرا وی را به عنوان جلال‌خانه احساس می‌کند. (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۸۳) هنگامی که مرد یا زنی همسر و شریک زندگی خود را به قتل می‌رساند، علاوه بر این که افکار عمومی را

جریحه‌دار می‌نماید، حساسیت خاصی را در جامعه برمی‌انگیزاند. به نظر می‌رسد که دلیل این حساسیت آن است که انسان همواره خانه را امن‌ترین مکان می‌شناسد. از این رو هنگامی که مرد یا زنی همسر خود را می‌کشد، جامعه دچار تشنج می‌شود و انسان‌ها به شدت احساس ناامنی می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد خطر حمله جدی و شدید از سوی همسران، اعضای خانواده، دوستان و آشنایان، نزدیک به دو برابر بیگانگان است. (Stark & Flitcraft, ۱۹۸۵: ۱۵۹-۱۶۰) سود یا ذوق و احساسی که مجرم را به ارتکاب جرم سوق داده و موجبات بروز آن را فراهم می‌کند، اصطلاحاً انگیزه نامیده می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۸۴-۱۸۳) قتل به هر انگیزه‌ای که صورت گرفته باشد، قتل است؛ خواه انگیزه قاتل کینه، انتقام، عشق، شهوت، تصاحب اموال یا رهانیدن او از درد و رنج بیماری درمان‌ناپذیر، از روی ترحم و تعصب سیاسی و مذهبی باشد. اما برعکس در جرم‌شناسی و جرم‌یابی به انگیزه قتل توجه خاصی شده است (پرویزی، ۱۳۷۹: ۹۹-۸۹) باید توجه داشت که انگیزه در حقوق کیفری مؤثر نبوده است و تأثیری در ماهیت عمل مجرمانه ندارد. (صانعی، ۱۳۷۴: ۲۳۴) آنچه که در حقوق کیفری دارای اهمیت است قصد مجرمانه و سوء نیت است. پس باید به تفاوت قصد و انگیزه توجه داشت. انگیزه شوق و ذوقی است که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد، لیکن قصد مجرمانه اراده جهت‌یافته به مقاصد نهی‌شده در حقوق جزا است. (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۴۰۴) به عبارت دیگر، قصد مجرمانه یا سوء نیت، یعنی تصمیم و عزم بر فعل یا ترک فعلی که قانون‌گذار آن را منع کرده است. (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۳۶) در تأیید مطالب مذکور، ماده ۱۴۴ ق.م.ا.اذعان می‌دارد در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. لیکن انگیزه، قصد و تصمیم با واسطه و غیرمستقیم فرد در ارتکاب جرم است.

انگیزه جزء عنصر معنوی محسوب نمی‌شود و تأثیری در اصل جرم نخواهد داشت، البته قاضی می‌تواند با توجه به انگیزه شرافتمندانه مرتکب در صورت وجود سایر شرایط، در مجازات او تخفیف دهد. (کامفر، ۱۴۰۰: ۱۸۷) لذا چنین مستفاد می‌شود که انگیزه تأثیر مستقیم بر تصمیم قضایی ندارد مگر در صورت وجود سایر شرایط مقرر قانونی.

حقوقدانان کیفری معمولاً رابطه بین قصد مجرمانه و انگیزه را در حقوق جزا با رابطه بین جهت و سبب در حقوق مدنی مقایسه می‌کنند.

سبب یا علت عقد برای هر یک از متعاملان، تعهدی است که طرف مقابل به عهده می‌گیرد؛ مثلاً در عقد بیع علت برای مشتری، رسیدن به ملک است، ولی جهت معامله در مورد هر عقد بیع تفاوت دارد؛ فی‌المثل کسی ملکی را می‌خرد تا وقف کند، دیگری می‌خرد تا سکونت کند و شخص

دیگری نیز برای دایر کردن محل فساد آن را خریداری می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۲۵) در حقوق کیفری نیز قصد و انگیزه بر همین ترتیب هستند. تمامی قاتلان قصد کشتن مقتول را دارند، اما انگیزه آنها متفاوت است به طوری که به تعداد قاتلان انگیزه وجود دارد. (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۱۱) اما باید توجه داشت مجرمی که دارای انگیزه خیرخواهانه و انسانی باشد، احتمال دارد که از کیفیات مخففه بهره‌مند شود. (بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا. بااین وجود، برخی از صاحب‌نظران حقوق کیفری بر این باورند که: «مبنا قرار دادن انگیزه در مسئولیت کیفری به معنی جانشین کردن نظر فرد به جای نظر قانونگذار است.» (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۱۸۸)

سیاست جنایی در قبال جرم قتل، اقدامی سرکوب‌گرانه از نوع کیفری یعنی قصاص می‌باشد. هر چند که قانون‌گذار در مواردی که به عنوان قتل مبتنی بر فایده در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته شد، سیاستی دیگر اتخاذ نموده است.

نتیجه‌گیری

مقررات جزایی فعلی کشور ما در زمینه جرم قتل از حقوق اسلامی (فقه امامیه) اقتباس شده و به صورت مجموعه واحدی بر کل کشور حاکم است. در حقوق کیفری ایران، قتل عمد دارای مجازات‌های اصلی و غیراصلی است که مجازات اصلی آن، قصاص نفس و مجازات بدل آن دیه و تعزیر می‌باشد. مجازات قتل عمدی در ایران، اصالتاً قصاص است.

قتل فایده‌گرایانه در حقوق کیفری ما از جمله قتل‌های عمد محسوب می‌شود که با کیفر قصاص پاسخ داده می‌شود. علیرغم واکنش کیفری ثابت و لایتغیر در قبال این رفتار مجرمانه، قانون مجازات در مواردی قتل عمد را مشمول کیفر قصاص و یا حتی مرتکب را مستحق کیفر بدل از قصاص نیز ندانسته است؛ از جمله زمانی که مقتول یا مجنی‌علیه متجاوز و کسی که تجاوز او قریب‌الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی جنایتی بر او وارد شود مرتکب به قصاص و دیه محکوم نمی‌شود. این خود نشانگر تمایل و گرایش حقوقدانان و سیاستگذاران عرصه قانون‌گذاری به یافته‌های دانش جرم‌شناسی به ویژه شاخه بزه‌دیدة‌شناسی است که در آن به نقش بزه‌دیدة در فرآیند عمل مجرمانه توجه شده است.

واکنش کیفری به فعل ارتكابی علیه بزه‌دیدة مقصر به دلیل تقصیر احرازی و سرزنش‌پذیر بودن رفتار تحریک‌آمیز و زمینه‌ساز مقتول، تقلیل‌گرایانه و نقصان‌یافته و گاه نیز معاف‌کننده می‌باشد. با ارجحیت‌بخشی قانونگذار کیفری ۱۳۹۲ به علم قاضی بر سایر ادله اثباتی جرایم (ماده ۲۱۲ ق.م.ا)، انتظار می‌رود که مقام قضایی با بررسی همه‌جانبه و استمداد از سایر علوم مرتبط در

راستای تشکیل پرونده شخصیت و رفتاری فرد مرتکب و مجنی‌علیه کوشیده تا کیفر جایگزین تحمیلی بر قاتل را در صورت امکان تقلیل دهد. قانونگذار علیرغم تصریح به برائت مرتکب از مسئولیت مدنی و کیفری حاصل از جرم ارتكابی در ماده ۱۵۶ ق.م.ا، متعاقباً در باب دفاع مشروع طی بند ت ماده ۳۰۲ قانون پیش‌گفته، عبور رفتار مرتکب از مراتب مدنظر قانونگذار را مستوجب کیفر دیده و تعزیر دانسته است که این موضوع با توجه به شرایط ارتكاب جرم و تاثیر رفتار بزه‌دیده بر فعل ارتكابی از سوی قاتل، متناسب به نظر نمی‌رسد و مقتضی است تا قانونگذار با عنایت به بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا در مجازات تعزیری محکوم، تخفیف قائل شود. لیکن در مواردی که فرد مرتکب قتل انسان دیگری می‌شود تا آثار جرم ارتكابی خود را محو نماید نه تنها انتظار می‌رود که قانونگذار با چنین فردی برخورد قاطعی داشته باشد بلکه لازم است تا در مجازات تحمیلی تخفیف قائل نشود. لذا فایده مدّ نظر پژوهش حاضر، در واقع، عواملی است که قانونگذار آنها را مجوزی برای بروز رفتار مجرمانه قتل و برائت قاتل از مسئولیت دانسته، نه فایده‌ای که هر کسی به ظنّ خود و برداشت شخصی از رفتار ارتكابی مدّ نظر داشته است؛ چرا که هر مجرمی، به نحوی در ارتكاب جرم، حسابگر و منفعت‌طلب می‌باشد. بنابراین، صرفاً فایده مدّ نظر قانونگذار، می‌تواند رافع مسئولیت کیفری و مدنی مرتکب قتل باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در نگارش این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ سی و سوم، تهران: میزان.
- افراسیابی، محمداسماعیل، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.
- پاک‌نهاد، امیر، (۱۴۰۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران، میزان.
- پرویزی، رضا، (۱۳۷۹)، پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل، چاپ اول، تهران: انتشارات بهار.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، با تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳)ق، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۳۸۹)ق، ایضاح الفوائد، نشر اسماعیلیان.
- خمینی، روح‌الله، ۱۴۰۳، تحریر الوسیله، قم، نشر اعتماد.
- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، مبانی تکمله المنهاج، چاپ سوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- شاکری، ابوالحسن؛ عادل علیپور، (۱۳۹۱)، حکم قتل عمدی ناشی از اضطرار در حقوق ایران و استرالیا، مجله پژوهش‌های تطبیقی، شماره ۷.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دهم، تهران: نشر ژوبین.
- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ عبدالله یار، سعید، (۱۳۹۰)، حالت ضرورت و دفاع مشروع، چاپ اول، تهران: مجد.
- شهید اول، (بی‌تا)، اللمعه دمشقیه، جلد دوم، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- شهید ثانی، (۱۳۸۴)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، الجزء الثالث، الطبعة الثانی، قم: مطبعة ثامن الحجج.
- صانعی، پرویز، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: گنج دانش.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، (۱۳۸۲) ق، الخلاف، جلد دوم، تهران: چاپخانه تابان.
- عبداللهی علی‌بیک، حمیده، (۱۳۸۳)، قاعده اضطرار، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۳.
- عوده، عبدالقادر، (۱۴۰۵)، التشریح الجنایی الاسلامی، الجزء الثانی، بیروت: دارالکاتب العربی.
- فاضل هندی، محمدبن حسن، (۱۴۱۶) ق، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، جلد دهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فرج‌اللهی، رضا، (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، چاپ اول، تهران، میزان.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۷۳-۱۳۹۲/۳/۶.
- کامفر، بهداد، (۱۴۰۰)، دوره پیشرفته حقوق جزا عمومی و اختصاصی، چاپ سوم، تهران، نشر پژوهش.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- کالانتیری، کیومرث؛ جلیل‌زاده، مرتضی، (۱۳۹۲)، قتل عمد اضطراری در فقه شیعه، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱.
- کی‌نیا، مهدی، (۱۳۶۹)، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند، (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ چهارم، تهران، مجد.
- مایر، اسکات؛ رابرسون، کلیف، (۱۳۹۵)، جرم خشونت‌بار، ترجمه محمد جوان بخت، چاپ اول، تهران، مجد.
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۹۹)، قواعد فقه بخش جزایی، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- معظمی، شهلا، (۱۳۸۶)، پرخاشگری و جنایت، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.

- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۴۰۰)، حقوق جزای اختصاصی (۳) جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، چاپ سی‌ام، تهران: میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۴۰۰)، حقوق جزای عمومی (۱) پدیده مجرمانه، چاپ سوم، تهران: دادگستر.
- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۲)، الدر المنضود فی احکام الحدود، جلد دوم، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم.
- مومن قمی، محمد، (۱۳۸۲)، پیوند اعضا، فقه اهل بیت، سال نهم، شماره ۳۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۴)، تقریرات درس جرم‌شناسی (بزه‌دیده شناسی)، دوره کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، الجزء الثاني و الأربعون، الطبعة السابعة، بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
- ندوی، علی احمد، (۱۴۱۲)، القواعد الفقہیہ، جلد اول، چاپ دوم، دمشق دارالقلم.
- Cornish, D & Clarke, R.V. 1986, the reasoning criminal: rational choice perspectives on offending. New York.ny: springer-verlage.
- Stark-E.& Flitcraft A, 1985, women Battering child abuse & social heredity, what is the relationship? First edition, London, Rout ledge & kegan PAHL.